

البيعة لله

البيعة لله

نکته ها

البيعة لله

البيعة لله



البيعة لله

البيعة لله

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى

A decorative green border with intricate floral and scrollwork patterns surrounding the central text. The border is composed of repeating scroll and leaf motifs in a vibrant green color, creating a rectangular frame around the text.

دانشجوی ستاره دار

نویسنده: شعیب وفادار

تاریخ: ۱۴۰۰/۴/۶

تاریخ: ۱۴۰۰/۴/۶

يَا أَيُّهَا الظَّالِمُ اسْمِعْ لِي دَفْعَةً مِنْ صَوْنِهَا شَيْءٌ خَيْرَ لِي فِي حِفْظِ اللَّهِ تَعَالَى



دانشجوی ستاره‌دار

جلسه شروع شد. هر دو استاد با مدرک دکترای علوم سیاسی از دانشگاه و سطح عالی فقه و اصول از حوزه، یکی از اهل سنت و دیگری از شیعه، برای اولین بار جلسه‌ی مباحثه و سؤال و جواب برگزار کرده بودند؛ جلسه‌ای با محوریت سؤالات سیاسی و فقهی روز که هر دو استاد ادعای پاسخگویی به هرگونه سؤالی را داشتند. سالن دانشگاه مملو از جمعیت شده بود. در محیط دانشگاه، تبلیغات وسیعی برای این جلسه صورت گرفته بود. در کاغذهای بسیاری که در تابلوهای اعلانات نصب شده بود، نام آن‌ها قید شده بود: «استاد حوزه و دانشگاه، حجت الاسلام دکتر جواد متفکر» و «استاد حوزه و دانشگاه، مولوی دکتر خالد محمدی». برای اولین بار بود که فردی تحصیل کرده از اهل سنت و فردی تحصیل کرده از شیعه، چنین مباحثه‌ای را در فضای دانشگاه برگزار می‌کردند. گویا مسئولان جلسه اصرار داشتند که درجات علمی آن دو به اطلاع همگان رسانده شود.

بَیِّنَاتُ الْإِطْلَاقِ مِنْ سَبِيلِ الْفَتْرَةِ مِنْ صَوْبِهَا شَيْخُ حُرِّ الْإِسْلَامِ حَفْظَةُ اللَّهِ تَعَالَى

جلسه شروع شد و یک ساعتی هم از آن گذشت. اساتید با موفقیت سؤالات دانشجویها را جواب دادند. هر چند اغلب دانشجویها، محصلان رشته‌های فنی مهندسی بودند و آشنایی چندانی با مسائل اعتقادی و اختلافی نداشتند و به همین خاطر بیشتر سؤالاتی که می‌پرسیدند، از مسائل ساده‌ای بود که برای پاسخ‌گویی به آن‌ها به تسلط علمی چندانی نیاز نبود و اگر هم در آن بین، سؤالی چالشی پرسیده می‌شد، این دو استاد با فنّ بیانی که داشتند و تکنیک‌هایی که در حوزه و دانشگاه آموخته بودند، قادر بودند به نحوی فضا را مدیریت کنند.

در این اثنا، به یک‌باره در سالن همه و گپ‌گپک بالا رفت. جوانی با اصرار و با حالت فرار از چنگ محافظین دم در، وارد سالن شده بود. استاد جواد تا او را دید، رنگش تغییر کرد. نیروهای حراست وارد شدند و تلاش داشتند که جوان را از جلسه بیرون کنند. کش‌کشی اتفاق افتاد. دوستان آن جوان و هم‌کلاسی‌هایش، اسم او را فریاد می‌زدند. همگی می‌خواستند مانع حراست شوند تا علی در جلسه بماند. استاد خالد که استاد مدعو بود و علی را نمی‌شناخت، از مسئول جلسه پرسید: برادر! چرا مانع این جوان می‌شوند؟ استاد جواد که نزدیکش بود، پاسخش را داد که او دانشجوی ستاره‌دار و بی‌انضباطی است و چنین دانشجویهایی حق ندارند در این جلسات شرکت کنند. استاد خالد پرسید: علّت ستاره‌دار شدنش چیست؟ این جوان چه کرده که چنین مجازاتی برایش در نظر گرفته شده است؟! استاد جواد پاسخ داد که اندیشه‌های انحرافی و باطلی را در فضای دانشگاه تبلیغ می‌کند و به همین خاطر، فقط به صورت مشروط اجازه دارد که تحصیلاتش را تمام کند.

استاد خالد که کنج‌کاو شده بود، در بلندگو از مسئول جلسه و حراست خواست که مانع حضور آن جوان در جلسه نشوند و این یک بار را به او فرصت بدهند. بعد از خطاب ایشان، حراست چاره‌ای جز تسلیم نداشت و علی را رها کرد. او نیز در بین جمعیت، در میان دوستانش نشست. بعد از دقایقی که جلسه آرام گرفت، استاد خالد که می‌خواست حرف علی را بشنود، او را مخاطب قرار داد و پرسید که جوان! موضوع از چه قرار است و چرا امروز این چنین شلوغ‌کاری راه انداخته‌ای؟ علی فرصت را غنیمت شمرد. از جایش بلند شد و به هر دو استاد و حاضرین در جلسه سلام کرد. سپس گفت: حقیقتش نمی‌خواستم شرکت کنم؛ چون هیچ‌گاه جواب سؤال‌های اعتقادی‌ام را نگرفته‌ام و همیشه محکوم شده‌ام.

ولی امروز در حین تلاوت قرآن، به آیه‌ای برخوردم که با خودم فکر کردم بیایم و از هر دو عزیز، درباره‌ی معنای آن بپرسم. آیا اجازه دارم که سؤالم را مطرح کنم؟ همه سکوت کرده بودند. دوستان علی که از تبخّر او و تسلّطش بر معارف اسلامی خبر داشتند، با ایما و اشاره به یکدیگر می‌فهماندند که الآن کار هر دو استاد خراب می‌شود! استاد خالد با اطمینان و روحیه گفت: بپرس برادر! علی گفت: امروز آیه‌ای را در قرآن دیدم که من را به فکر فرو برد، دقایقی در آن تأمل کردم و سپس به این نتیجه رسیدم که به ما مسلمانان مربوط نمی‌شود! حجت الاسلام جواد متفکر صورتش را به سمت مولوی خالد چرخاند و به آرامی گفت: اَسْتَغْفِرُ الله! آیا نگفتم این دانشجو امروز شر به پا می‌کند؟! خالد که متانت و ادب بیشتری داشت، با لبخندی به جواد نگاه کرد و سپس به طرف علی دقیق شد و گفت: کدام آیه؟ علی مکشی کرد و گفت: قبل از آن که آیه را برای شما تلاوت کنم، آیا به من اجازه می‌دهید که توضیحاتی بدهم و منظورم را دقیق‌تر بیان کنم؟ بعدش آیه را می‌خوانم. استاد خالد گفت: بفرما. علی رو به جمعیت کرد و با صدای بلند گفت: بسیاری از شما من را می‌شناسید و از سابقه‌ی من آگاهید. من اینجا نیامدم تا درباره‌ی نماز و روزه و حجّ و زکات یا درباره‌ی آمریکا و طالبان و ایران و پاکستان صحبت کنم. هر چند این‌ها مسائل مهمی است، اما موضوع بحث من در وهله‌ی اول، امام مهدی است. سپس رو به استاد خالد کرد و از ایشان پرسید که نظر شما درباره‌ی مهدی چیست؟ استاد خالد گفت: در باور اهل سنت، اگر یک روز به آخر دنیا مانده باشد، خداوند مهدی را می‌آورد و او جهان را از عدالت پر می‌کند. علی گفت: عجب! چقدر جالب! چون شیعه هم همین نظر را دارد! استاد خالد خنده‌ای کرد و گفت: بله خوب! چون این حدیث پیامبر است و پیامبر شیعه و سنی هم یکی است! علی و سایر حاضران در جلسه، این سخن استاد را پسندیدند و خنده‌ی شان گرفت! علی سپس گفت: اما اهل سنت بر این عقیده است که مهدی هنوز به دنیا نیامده است. درست است؟ استاد خالد گفت: بله. علی سپس رو به استاد جواد گفت: شیعه می‌گوید مهدی به دنیا آمده، ولی برای ظهورش باید به انتظار بنشینیم تا زمانی که خداوند بخواهد، اگر چه مصلحت اقتضا نکند و صد هزار سال دیگر طول بکشد. درست است؟ استاد جواد که منظور علی را از این جمله متوجه شد، با رنگی پریده و مکشی پاسخ داد: بله. سپس علی گفت: در هر دو صورت، از ما چند میلیارد مسلمان در جهان، از هیچکدام مان، نه از شیعه و نه از سنی هیچ کاری بر نمی‌آید.

هر دو گروه فقط باید انتظار مهدی را بکشیم. علی بعد از مکتی ادامه داد: یک مذهب منتظر است مهدی به دنیا بیاید، یک مذهب معتقد است او به دنیا آمده، اما هنوز خدا نمی خواهد که ظاهر شود. اهالی دو مذهب در گروه ها و دسته های مختلف، هرکدام در پی یک خلافت و حکومت خودخوانده، منتظر روزی موعود هستند که معلوم نیست چه موقع باشد و آیا عمر ما و ده نسل بعد از ما به آن قد بدهد یا نه! همه سکوت کرده بودند و جذب این صحبت ها شده بودند. صدای رسای علی در تمام سالن می پیچید. علی سپس رو به اساتید کرد و گفت: پس متفق القول هستیم که هر دو گروه شیعه و سنی بر این عقیده هستند که مهدی هرگاه بیاید، دنیا را پر از عدل و داد می کند. درست است؟ دو استاد که محو سکوت حاضران در جلسه شده بودند، با حرکت سر و زمزمه ای کلام او را تأیید کردند. علی ادامه داد: پس اگر باور داریم که مهدی عدالت را بر روی زمین محقق می کند، چطور می شود که خداوند **«الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»** که حتی کافران و مشرکان نیز به حکم **«وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ»**^۱ به نحوی از رحمتش برخوردار شده اند، خداوندی که جهان را از ازل بر مبنای عدالت بر پا کرده و عدالت را در آن گسترانیده است^۲، بندگان را از این نعمت محروم کرده باشد و راهی هم برای دست یافتنشان به آن قرار نداده باشد؟! آیا این تناقضی در رفتار خداوند نیست؟ مگر مهدی مجری موعود عدالت نیست؟ مگر تحقق عدالت برای مردم جهان خوشبختی نمی آورد و آنان را به سعادت و رفاه نمی رساند؟ پس چرا خداوند مجری آن را خلق نمی کند و به ظهور نمی رساند؟! آیا خداوند نسبت به بندگان بدخواه و ظالم است؟!

این جملات علی، سالن را برای لحظاتی به سکوتی مرگبار فرو برد. استاد خالد که انگار چیزی به ذهنش رسیده بود، سکوت را شکست و گفت که خداوند می خواهد مسلمانان را امتحان کند. علی چیزی نگفت، سرش را به زیر انداخت و منتظر واکنش سایرین شد. انگار حرفی که باید را زده بود و حالا منتظر بود تا ببیند کسی بهره ای از آن می برد یا نه. برخی از حاضران در سالن با بغل دستی های شان صحبت می کردند و برخی به پاسخ استاد خالد آفرین می گفتند. استاد جواد در این حین علی را مخاطب قرار داد و به او گفت: استاد خالد پاسخ را داد. حالا آیا جوابت را گرفتی؟ علی همچنان چیزی نمی گفت.

۱. الأعراف / ۱۵۶

۲. **«وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ۖ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ۚ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ»** (الرحمن / ۷-۹): «آسمان را برافراشت و میزان قرار داد؛ تا شما نیز بر میزان نیفزایید؛ و با عدالت بسنجید و از میزان نگاهید».

شاید در ذهنش به این فکر می‌کرد که چطور این دو استاد حوزه و دانشگاه، به چنین بحث متقنی، چنین پاسخ سطحی‌ای داده‌اند! استاد خالد سپس گفت: برادر! ان شاء الله جوابتان را گرفتید؟ علی رو به ایشان کرد و گفت: آن چه شما درباره‌ی امتحان الهی گفتید، صرفاً مغالطه‌ای است که امروز بین عوام جا افتاده است و من از آن بی‌خبر نبودم. برای همین از شما انتظار داشتم که بیشتر تأمل کنید و پاسخ قانع‌کننده‌تری بدهید. خداوند هیچ زمان برای امتحان مردم، گماشته‌اش بر روی زمین را از آنان غایب نمی‌کند تا با فراهم کردن بستر ظلم، اسباب معصیت آنان را فراهم آورد تا به این ترتیب بندگان در گمراهی رها شوند و برخی‌شان اموال و انفس برخی دیگر را دست‌مایه‌ی قدرت‌طلبی خود کنند؛ چراکه این نقض غرض خدا از امتحان مردم است! به تعبیر دیگر، خداوند بندگان را با سلب امکان هدایت امتحان نمی‌کند؛ چون در آن صورت، هیچ‌گاه از امتحان سربلند بیرون نمی‌آیند. چنین چیزی، اغراء به جهل و ظلم به بندگان است که از خداوند سر نمی‌زند. بخواهم با مثال تشریح کنم، چیزی که شما گفتید در مثل مانند آن است که در جلسه‌ی امتحان دانشگاه، از دانشجو امتحان درسی را بگیرند که هنوز آموزش ندیده است. مشخص است که او هر چقدر زرنگ باشد و فکر کند، در این امتحان مردود می‌شود. روشن است که چنین امتحانی ظلم به دانشجو است و خداوند هیچ وقت بندگان را به این صورت امتحان نمی‌کند! منظور من از توضیحاتی که دادم این است که پاسخ شما از اساس غلط است و باید به دنبال علت دیگری برای ظاهر نبودن مهدی گشت. اما آن علت چیست؟! خواهش می‌کنم به آن چه گفتم بیشتر فکر کنید. من زیاد وقت شما و حاضران در جلسه را نمی‌گیرم و به ابتدای صحبت‌م برمی‌گردم. گفتم امروز به آیه‌ای در قرآن برخوردم که بعد از تدبّر در آن، متوجّه شدم برای ما مسلمانان نیست! آن آیه را برای شما قرائت می‌کنم. خداوند می‌فرماید: **﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾**^۱؛ «هرآینه خداوند چیزی که در قومی است را تغییر نمی‌دهد تا آن گاه که آنان چیزی که در خودشان است را تغییر دهند». با عقیده‌ای که شیعه و سنی دارد، وظیفه‌ی ما در قبال مهدی، تنها انتظار است. من فکر می‌کنم که این آیه در قرآن برای مسلمانان نیست. نمی‌شود که خداوند با چنین صراحتی، تغییر سرنوشت ما را در اختیار خودمان گذاشته باشد، اما ما برای ظهور مهدی که مهم‌ترین نیاز بشر در حال حاضر است، کاری جز انتظار و دعا نتوانیم انجام بدهیم!

علی این جملات پایانی را گفت و سپس از سالن خارج شد تا دو استاد پر مدّعی حوزه و دانشگاه، در میان نگاه‌های حاضران تنها شوند. آیا آنان جوابی به این سؤالات داشتند؟! هرگز! تنها جواب، قیام به زمینه‌سازی و پیوستن به نهضت جهانی زمینه‌سازان ظهور مهدی است. این مصداق آیه‌ی شریفه است که در **حرکت مقدّس «بازگشت به اسلام»** با رهبری علامه منصور هاشمی خراسانی تجلّی یافته است.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ جعفر انصاری حفظه الله تعالی



صفحه توییتر پایگاه

صفحه اینستاگرام پایگاه

صفحه تلگرام پایگاه

صفحه فیسبوک پایگاه

لینک مطلب فوق

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.